

کن لوچ: کر استارمر "مستر بینی" ، که تلاش می کند شبیه استالین عمل کند!^۱

گفتگویی با کن لوچ

متابازی

مترجم : حمید ذوالقدر

چند ماه قبل " کن لوچ " از حزب کارگر اخراج شد. این فیلمساز سوسیالیست، بعد از این اتفاق در اولین مصاحبه‌ی خود با ژاکوبین اعلام کرد : تصفیه‌ی اعضای چپ حزب کارگر توسط "کر استارمر"^۲ به نابودی کل حزب کارگر منجر خواهد شد.

وقتی که جرمی کوربین به ریاست حزب کارگر رسید، کن لوچ این فیلمساز سوسیالیست دوباره پس از گذشت سالها از ترک حزب بخاطر بحث و عدم توافق با تونی بلر به این افتخار دست پیدا کرد که به حزب بازگردد. موقعیت جدید برنده‌ی جایزه‌ی نخل طلای کن باعث خشم نمایندگان شد. نمایندگانمانند " مایک گپس "^۳ که هنوز هم از تبعیدش توسط جناح چپ حزب به موقعیتی پایین دست‌تر ناراحت است.

اما جناح راست پس از اینکه کارگردان فیلم "من دنیل بلیک"^۴ از حزب کارگر اخراج شد بسیار خوشحال است. کن لوچ که فیلمهای او پر از نشانه‌های رئالیسم سوسیالیستی است گفت که او بخاطر سرپیچی از دستور حزب مبنی بر قطع ارتباط با دوستانش در جناح چپ که اخراج شده بودند و اعضای گروه‌های دیگر که حالا غیرقانونی اعلام شده‌اند اخراج شده است. کن لوچ در هنگام اعلام برکناری‌اش از طریق توئیتر بسیار مصرانه این نکته را روشن کرد که : "کرامر و دار و دسته‌اش هرگز نمی‌توانند رهبری حزبی مردمی را برعهده داشته باشند" او اصرار داشت که " ما زیاد هستیم و آنها کم " این فیلمساز در اولین مصاحبه خود پس از اخراج با مجله ژاکوبین، تصویری بسیار تیره از وضعیت جناح چپ درون حزب کارگر ترسیم می‌کند. او به ماتا بازی گفته بود که رویدادهای اخیر درون حزب نشان می‌دهد که حزب کارگر دیگر علاقه‌ای به گوش دادن به سخنان اعضای خود ندارد و این حزب به سمت بازگشت به سیاست‌های راست‌گرایانه دوران بلر حرکت می‌کند تا از فشار مطبوعات محافظه کار بکاهد و آنها را راضی نگاه دارد.

ماتا بازی: دقیقا چه اتفاقی در مورد اخراج شما از حزب رخ داد؟

کن لوچ: نامه‌ای که من دریافت کردم، من را متهم به حمایت از یک سازمان ممنوعه می‌کرد. اما در قانون آن طور که من آن را می‌فهمم! اگر شما قانونی را برای جرم انگاری یک عمل تصویب کنید، نمی‌توانید کسی را بخاطر انجام آن پیش از تصویب آن قانون، تحت پیگرد قانونی قرار دهید. شما نمی‌توانید افراد را به خاطر انجام کارهایی که در زمان انجام، غیرقانونی

¹ <https://www.jacobinmag.com/2021/08/ken-loach-keir-starmer-labour-party-ejection-corbyn>

² Keir Starmer

³ Mike Gapes

⁴ the I, Daniel Blake

نبوده‌اند مجازات کنید! تمام شواهد مضحکی که آنها علیه من ارائه می‌کردند، مربوط به زمان‌هایی بسیار قبل‌تر از تصویب آن قانون بود، می‌پرسید پس چگونه موفق شدند این ادعا را اثبات کنند؟ من انرژی و اراده‌ای برای درگیر شدن در یک همچین دعوی طولانی ندارم چرا که به نظرم اتلاف وقت است. من ترجیح می‌دهم کار کنم و فیلم بسازم، تا اینکه با افراد مخرب وارد صحبت و دیالوگ بشوم، در واقع این کار مانند پایان دادن به یک رابطه عاطفی فرسایشی است، درگیر شدن با این آدم‌ها مانند یک وزنه روی دوش شما عمل می‌کند.

ماتا بازبی: درگیری و مشارکت شما با این سازمان‌های در حال حاضر ممنوع، در چه حد بوده است؟

کن لوچ: من عضو هیچ یک از سازمان‌های ممنوعه نیستم، اما من از بسیاری از افرادی که اخراج شده‌اند حمایت می‌کنم چرا که آنها دوستان و هم‌رزمان بسیار خوبی هستند. شکار ساحره⁵ در حزب در حال انجام است و من از آن چشم‌پوشی نمی‌کنم، اپراتورها و آپارتچی‌های حزبی در حال اعمال قدرت خودسرانه و کاملاً غیر دموکراتیک هستند، آنها قوانین را نیز همانطور که پیش می‌روند برای اهداف خودشان تنظیم می‌کنند. به طور مثال اعطا تمام قدرت و اختیارات به شخصی مثل کر استارمر که کاملاً برای آنچه هست یعنی یک وکیل ارشد و رئیس سابق دادستانی سلطنتی ساخته شده است، نشان می‌دهد که با چه آدم مزخرفی روبه روییم.

ماتا بازبی: به نظر می‌رسد از آغاز هیچ رابطه دوستانه‌ای بین شما و رهبر حزب وجود نداشته! نظر شما در مورد رهبری او بر حزب کارگر به طور کلی چیست؟

کن لوچ: آنچه استارمر تلاش می‌کند انجام دهد بسیار واضح و روشن است: به عنوان یک رهبر او کاملاً غیر قابل اعتماد و یک دروغگوی آشکار است. او می‌گفت حزب را متحد خواهد کرد اما تا حالا بیش از صد و بیست هزار عضو را از حزب کارگر اخراج کرده است. اقدامات او نشان می‌دهد که او از روز نخست می‌خواست می‌خواست همین کار کند و بنابراین راهی برای متحد کردن حزب وجود نداشته است، او به شکل کاملاً آگاهانه اعضای حزب را فریب داد. استارمر خود را فردی غیر قابل اعتماد و واقعا بدون اصول نشان داده است. قصد او تا آنجایی که من می‌توانم تشخیص دهم این است که یک حزب کوچک بدون فعالان دردرساز، بدون برنامه تحول آفرین تشکیل دهد. اعمال او عقب نشینی از سیاست‌های چپ در مورد مورد مالکیت عمومی، مسکن، دولت رفاه و محیط زیست را نشان می‌دهند. در مورد سیاست خارجی نیز برنامه‌های او عقب نشینی از سیاست خارجی مبتنی بر قوانین بین‌المللی و حقوق بشر بوده. کاری که او از طریق اخراج و بیرون راندن اعضا انجام می‌دهد، بازتولید حزب به سبک تونی بلر است، حزب کوچکی که در آن او از طریق رسانه‌ها با رای‌دهندگان صحبت می‌کند و تلاش می‌کند مطبوعات دست راستی را متقاعد کند که حزب کارگر تهدیدی برای قدرت آنها نیست.

ماتا بازبی: شما جزو کسانی بودید که موضوع یهودی ستیزی را در حزب کم اهمیت جلوه دادند و به انکار هولوکاست متهم شدید. آیا فکر می‌کنید این مسئله در اخراج شما تاثیرگذار بوده ؟

⁵ شکار ساحره اشاره به کشتار ساحرگان در قرون وسطی دارد. این ساحرگان به مثابه عناصر نامطلوب بودند که دست به مقاومت علیه هنجارهای موجود می‌زدند.

کن لوچ: موضع من در مورد انکار هولوکاست کاملاً واضح است! من با این انکار مخالفم. این مخالفت به طور ضبط شده وجود دارد. در مصاحبه‌ای با بی بی سی که دست کاری شده بود، سخنان من تحریف و تلاش شد نشان داده شود که برای من زیر سوال بردن هولوکاست امری پذیرفتنی است. من هرگز چنین کاری را نمی‌کنم. هولوکاست همانقدر که جنگ جهانی دوم یک واقعیت بود، یک رویداد تاریخی محسوب می‌شود و این مسئله غیر قابل انکار است. این ماجرا برای من بسیار دردسرساز شد حتی خانواده من تهدید شدند، و حتی در خیابان مردم به من حمله کردند، این ماجرا بدترین نوع سوءاستفاده بود.

ماتا بازبی: آیا اتفاقات چند سال اخیر شما را نا امید کرده است؟ در مورد اخراجتان از حزب چطور؟ آیا آزرده خاطر هستید؟

کن لوچ: برعکس، این برای من همچون یک مدال افتخار است! من هیچ مشکلی با اینکه توسط کرامر و دار و دسته‌اش اخراج شوم ندارم. دموکراسی در حزب کارگر مرده است، بخش‌های انتخابی حزب کاملاً بدون هیچ دلیلی تعطیل شده‌اند، قطعنامه‌ها اگر از کرامر انتقاد کنند یا در مورد حمایت از فلسطین باشند بلافاصله از دستور کار خارج می‌شوند، به آنها گفته شده است که نمی‌توانند قطعنامه‌هایی که مطمئن هستند در مجلس تصویب نمی‌شود را در درون حزب نیز تصویب کنند! این انکار دموکراسی درون حزبی است.

ماتا بازبی: حرف‌های شما کاملاً شبیه فضای رمان‌های جورج اورول است! آیا به طور کلی این آشفتگی در حزب وجود دارد؟

کن لوچ: در کل فرایند انضباطی، هیچ‌گونه روند قانونی وجود ندارد، به اعضا گفته می‌شود که معلق شده‌اند، آنها جوابی دلیل می‌شوند اما هیچ‌گونه جوابی دریافت نمی‌کنند و این روند ماهها و ماهها به همین شکل ادامه می‌یابد. این اوضاع برای استامر که خود را یک حقوقدان معرفی می‌کند خنده دار است، او را مضحک نشان می‌دهد. کرامر بیشتر یک شخصیت سرگرم‌کننده است! پیش تر گفته می‌شد که رهبری گوردن براون⁶ مانند این بود که استالین تبدیل به مستر بین شود! اما برای کرامر برعکس این موضوع درست است: او مستر بینی است که تلاش می‌کند مانند استالین عمل کند و حتی این کار را هم بسیار ناشیانه انجام می‌دهد.

ماتا بازبی: با حرف‌های شما تصور خنده داری به ذهنم رسید: استالین را تصور می‌کنم که به پیتر ماندلسون⁷ دستور می‌دهد نقاشی مونالیزا را تمیز کند و بعد او را بخاطر انجام ندادن یک کار درست سرزنش می‌کند! اما از شوخی گذشته، شما این لحظه را در سیاست بریتانیا چگونه تفسیر و ارزیابی می‌کنید؟

کن لوچ: یک سوال بزرگ برای دموکراسی پیش آمده است. در دوران جرمی کوربین، حزب کارگر بزرگترین حزب سیاسی اروپا بود: تقریباً ششصد هزار عضو. اعضا به شدت در مورد برنامه حزب متحد بودند که می‌توانست تحول آفرین باشد. اما

⁶ گوردن براون: نخست وزیر بریتانیا بین سالهای 2007 تا 2010 او جانشین رئیس حزب کارگر نیز بود

⁷ پیتر ماندلسون: وزیر امور تجاری دولت بریتانیا در کابینه تونی بلر

گروهی در داخل حزب که بیشتر آنها رویکردی مانند رویکردهای تونی بلر داشتند، با موفقیت تلاش‌هایی را برای تضعیف رهبری حزب کردند. شما داستان ایمیل‌های لو رفته از ستاد کارگری را می‌دانید: تعدادی از مقامات فعالانه علیه پیروزی حزب کارگر در سال 2017 کار می‌کردند و وقتی حزب شکست خورد آنها خوشحال شدند، همه‌ی این اتفاقات در میان رکیک‌ترین توهین‌ها به افرادی مانند دایان ابوت و معدود نمایندگان وفادار به کوربین اتفاق افتاد. حالا هم حزب تحت رهبری استارمر به آنها پاداش می‌دهد. همه اینها مرا به این فکر می‌کشاند که آیا می‌توان حزبی را انتخاب کرد که متعهد به تغییرات دگرگون‌کننده باشد؟ آیا ساز و کار سیاسی در بریتانیا آنقدر قدرتمند هست که بتواند جلوی آن را بگیرد؟